

## عنوان مقاله:

نقش دانش بومی و کارکرد نظام سنتی مدیریت مشارکتی منابع آب در معیشت پایدار روستایی مورد مطالعه: گروه های بزرگ کاری لایروبی کانال های آبیاری (حشر) در سیستان

## محل انتشار:

فصلنامه علوم اجتماعی، دوره 19، شماره 56 (سال: 1391)

تعداد صفحات اصل مقاله: 34

## نویسندگان:

محمود جمعه پور - دانشیار برنامه ریزی دانشگاه علامه طباطبایی

محمودرضا میرلطفی - استادیار جغرافیای دانشگاه بابل

## خلاصه مقاله:

توجه مجدد به نظام های سنتی بهره برداری و مدیریت گروهی، دانش بومی و تجربه مردم محلی در این پژوهش از دیدگاه پارادایم های جدید توسعه و معیشت پایدار روستایی است. پژوهش در دانش بومی و نظام های تولید سنتی، سبب شده است تا این اندیشه کلیشه ای که دهقانان، مدیرانی ضعیف اند تبدیل به اندیشه ای شود که برای مردم محلی احترام بیشتری قایل است. مردمی که ایده ها و اعمالشان در قبال محیط، پایدار و دارای سازگاری بومی تلقی می شود. (Fujisaka, 1986) یک معیشت هنگامی پایدار است که بتواند با فشارها و شوک ها سازگار شده و خود را تقویت یا حفظ کند. (Chambers & Conway 1992:6) نگاه به نظام جمعی مدیریت منابع آب و لایروبی جوی های آبیاری در سیستان از این دیدگاه، ارزش آن در ایجاد معیشت پایدار در پهنه سرزمین را نشان می دهد. در توجه به عرصه های روستایی در منطقه سیستان، به روشنی در می یابیم که، با وجود تغییرات اقلیمی و خشک تر شدن سرزمین، مهمترین عامل شکل گیری وضعیت کنونی (بیابانی شدن سیستان) را باید در نابودی نظام های سنتی تولید مبتنی بر دانش و تجربه بومی و سازگار با شرایط سرزمین محلی دانست. در حال حاضر یکی از چالش های مهم اقتصاد روستایی سیستان، نابودی سالانه بخش وسیعی از زمین های کشاورزی در اثر بی آبی و تراکم رسوبات آبی و بادی و خارج شدن تدریجی کشاورزی از عرصه معیشت، در اثر عدم توانایی تامین و هدایت صحیح آب توسط مدیریت های جدید روستایی است. استفاده نادرست از تکنولوژی های نو و عدم استفاده از دانش بومی و تجارب جامعه محلی، سبب بحرانی تر شدن وضعیت و در نتیجه باعث بیکاری، کمبود درآمد، فقر و مهاجرت روستاییان گردیده است. سیستم مدیریت سنتی با ساختار هرمی خود به همراه کشاورزان منطقه در طول سال با عنوان حشر، به صورت منظم و دسته جمعی (هزاران نفر) در طول سه ماه اقدام به لایروبی رسوبات رودخانه ها، کانال ها و انهار جهت انتقال آب و کشت نزدیک صد هزار هکتار از اراضی زراعی منطقه را می نمود. در حالی که اکنون عدم استفاده از دانش بومی و تجارب مدیران سنتی منطقه، را می توان به عنوان یکی از عوامل اصلی عدم پایداری معیشت مبتنی بر کشاورزی منطقه قلمداد کرد. هدف اصلی این پژوهش معرفی حشر به عنوان یک نظام و تکنیک گروهی سنتی و شناخت نقش دانش بومی و تجارب کارکردی مدیریت مشارکتی سنتی در پایداری معیشت، مبتنی بر کشاورزی در سیستان است. این پژوهش از نوع پژوهش های توصیفی تحلیلی است که با اتکاء به روش بررسی اسنادی انجام شده است و در بخشی از کار برای گردآوری داده های مورد نیاز، از بازدید های میدانی و مصاحبه های هدفمند با آگاهان و ریش سفیدان محلی استفاده شده است که نام آنها در پایان مقاله بیان شده است. بهره جستن از دانش بومی و تجارب مدیریت سنتی منابع تولید روستایی، در کنار بکارگیری دانش روز و تکنولوژی نوین در چارچوب دیدگاه مشارکتی، می تواند حیات اجتماعی و اقتصادی منطقه، بویژه فضای روستایی را بازسازی و متحول سازد.

## کلمات کلیدی:

دانش بومی؛ نظام مدیریت گروهی سنتی؛ معیشت پایدار؛ سیستان؛ حشر؛ پاگاو

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/684271>



